

نظر حقوقی و کلای استاد حسن عباسی درباره‌ی بازداشت وی در 13 مرداد 1395

نظر حقوقی و کلای استاد حسن عباسی

درباره‌ی بازداشت وی در 13 مرداد 1395

بسم الله الرحمن الرحيم

در خصوص پرونده کیفری علیه آقای حسن عباسی که بر اساس اعلام دادستان محترم نظامی تهران به اتهام نشر اکاذیب و فراهم کردن جو بدبینی نسبت به نیروهای مسلح تشکیل گردیده، اگرچه با توجه به عدم اطلاع دقیق از نحوه و چگونگی امر تحقیقات و آیین دادرسی اتخاذی توسط دادسرای مربوطه ابهاماتی وجود داشته و این موارد مسجل نیست، لیکن صرف نظر از عدم صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در رسیدگی به این اتهام و آنچه در جریان این تحقیقات صورت گرفته، طرح نکاتی چند پیرامون آیین دادرسی کیفری لازم به نظر می‌رسد و شایسته است که آن سازمان محترم و خاصه دادسرای تحت امر آن با رعایت اصول دادرسی و حقوق شهروندی، در پاسخگویی به افکار عمومی و اجرای دقیق وظایف محوله سربلند باشند:

در ابتدا لازم به توضیح است، همان‌گونه که موکل آقای حسن عباسی در اظهارات اخیرشان مراتب ارادت خویش را نسبت به ارتش جمهوری اسلامی - که به تعبیر مقام معظم رهبری سرمایه و اندوخته برای یک ملت است - اعلام نموده و از سوء تفاهات ایجادشده توسط خناسان تبری جسته است، دفاع و پاسخگویی از اتهام مطروحه را نه به‌عنوان تقابل با این نهاد متدین و انقلابی، بلکه به‌منظور افشای نقشه تدارک دیده‌شده توسط دشمن و تفرقه‌افکنان و اجرای صحیح قانون، وظیفه خود می‌داند.

(1) علاوه بر مواد 168 الی 203 قانون آیین دادرسی کیفری، به‌موجب مواد 615 الی 617 همین قانون، نحوه احضار متهمان

نظامی به صورت دقیق مشخص شده و با عنایت به تقنین این مواد و دقت قانون‌گذار نسبت به این موضوع، به نظر می‌رسد امر احضار متهم و چگونگی آن به عنوان گام اول در شروع تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده کیفری ذاتاً و مستقلاً موضوعیت داشته و عدم رعایت آن اعتبار این تحقیقات و تصمیمات مأخوذه را زیر سؤال می‌برد؛ و جای پرسش مطرح می‌گردد که آیا در این پرونده با رعایت تشریفات امر احضار از قبیل ذکر نوع اتهام و حق همراه داشتن وکیل و دیگر مفاد مزبور، مشتکی عنه به صورت کتبی احضار گردیده است؟

2) از آنجا که قانون‌گذار در مقام بیان مرور زمان جرائم نیروهای مسلح، صرفاً موارد خاصی را بیان نموده، لذا با عنایت به ماده 648 این قانون، موارد دیگر مرور زمان تابع مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری بوده؛ علی‌هذا در تعقیب و رسیدگی و اخذ تصمیم در سایر موارد، من جمله موضوع ما نحن فیه، رعایت ماده 13 قانون مزبور و مفاد ذیل مبحث چهارم از بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، بایستی مدنظر قرار گیرد. لذا در صورت عدم رعایت و اجرای این مهم، قطعاً هرگونه اخذ تأمین و تحمیل امری به متهم در ادامه دادرسی، تعدی به حقوق شهروندی و قانونی ایشان قلمداد می‌گردد.

اما در خصوص سخنرانی مربوط به سال 1389 که توسط موکل در جمع دانشجویان در دانشگاه تهران در فضای علمی ایراد گردیده و حال به واسطه عده‌ای سودجو که با تقطیع قسمت‌هایی از آن و به منظور تفرقه‌افکنی در فضای مجازی منتشر گشته، آیا مقامات محترم تعقیب و تحقیق، صرف‌نظر از وقوع یا عدم وقوع جرم، در بدو امر و پیش از احضار متهم و یا صدور قرار وثیقه، به موضوع مرور زمان توجه داشته‌اند؟

3) بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس پرونده پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم در صورت وجود دلایل کافی، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او، یکی از قرارهای تأمین را صادر می‌نماید و بدیهی است با توجه به اصول و مقررات حاکم و رویه جاری، خاصه لزوم تناسب بین تأمین و موضوع اتهام، می‌بایست تعیین نوع و میزان قرار مزبور و شدت و حدت آن، بر اساس اتهام موضوع پرونده و مجازات قانونی مقرر صورت پذیرد و بدیهی است عدم توجه به این موارد اسباب تضییع حقوق متهم و ایجاد ابهام در نحوه اجرای عدالت قضایی و نتایج حاصل از آن است؛ لذا در موضوع پیش رو این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد، درجایی که موکل شخصاً در دادسرا حاضر گشته و نیز با عنایت به میزان مجازات مقرر قانونی برای این اتهامات، صدور قرار تأمین، آن‌هم قرار وثیقه! به میزانی که موکل عاجز از تودیع آن بوده، صحیح و منصفانه است؟

به امید اجرای صحیح قانون و اهتمام لازم در پاسداری از حقوق شهروندی

مهدی جعفری نژاد و علی مهرآرا

وکلائی دادگستری

